

باز هم سخن از تصدی های دولتی!

اخبار مورخ 17 حوت 1393 تلویزیون طلوع (طلوع نیوز) براساس گویا آمار اداره احصائیه مرکزی به شرح زیر به نشر رسید:

" آمار های اداره احصائیه مرکزی نشان می دهد که تصدی های بزرگ دولتی که زمانی شریان های اصلی درآمد دولت بودند اکنون یا به زیان کار می کنند و یا مصارف شان را تکافو می کنند و یا هم سودی اندکی برای دولت دارند. از میان 39 تصدی فعال تولیدی در سال گذشته تصدیهای (تولید، عناصر فلزی، سمنت جبل السراج، توسعه صنایع دستی، ساختمانی) با داشتن صد ها جریب زمین با زیان کار می کنند. به گفته «عزیزالله فقیری رئیس اداره احصائیه مرکزی یک تعداد زیادی از تصدیها ما فعال هستند مانند تصدی کود برق مزار، یک تصدی فعال است که می تواند یک راپور خوب موثر بما بدهد». امارها نشان می دهد که 39 تصدی فعال دولتی سالانه تا ده میلیارد افغانی درآمد دارند که از این پول بخش اندک آن به خزانه دولت و بخش بزرگ آن به مصرف خود تصدی ها می رسد. رئیس اداره مرکز به ضرورت اجرای سیاست حمایتی دولت را ضروری می داند. واز سوی دیگر از میان 39 تصدیها (تصدیهای هتل ها، مسلخ، افسوتر، خانه سازی، مواد ساختمانی، مواد نفتی، محصولات حیوانی، قره قل، کود برق، ذغال سنگ شمال، سیلوی مرکز، افغان گاز، فارم سی، ملی بس، باربری مرکز) از تصدیهای اند که باوجود فرصت های زیاد در بخش های فعالیت شان کار چشمگیری نمی کنند".

در پیوند به این وپوست به نوشته های پیشین از جمله دسامبر 2013 در مورد " نیاز جدی حمایت دولت از تصدیها " و 4 جنوری 2015 "سیاست خصوصی سازی بی رویه حکومت کززی نباید در حکومت وحدت ملی دنبال شود". به عنوان یک فردی که در سال های 1363 تا 1365 بحیث مدیر مراقبت بیلانس ها در وزارت مالیه، کارشناس امور اقتصادی در ادراه امور واداره ارگانهای محلی شورای وزیران، استاد اقتصاد در انستیتوت علوم اجتماعی، تحصیل در رشته اقتصاد به سطح ماستری و سپس دکترا و تحقیق در مسایل اقتصادی (افغانستان) و تدریس در دانشگاه الی اکنون، شناخت در مسایل اقتصادی افغانستان به خصوصی از چگونگی فعالیت تصدیها در وزارت مالیه و نقش آن در اقتصاد ملی و توسعه اقتصادی دارم یکبار دیگر تأکید می نمایم:

- 1- داشتن 39 تصدی دولتی تولیدی و خدماتی برای دولت یک میراث ارزشمند، ظرفیت بلفعل و فرصت از نظر اقتصادی بوده نه یک چالش و تهدید؛ فقط با ارزیابی دقیق از وضعیت و شناسایی نقاط ضعف و قوت آنها و اتخاذ سیاست حمایتی موثر و اجرای تغییرات و تعدیلات لازم در رهبری، مدیریت، تشکیلات و ساختار و نحوه فعالیت آنها می توان کارایی و بهره وری آنرا بالا برد به یکی از منابع اصلی تأمین عواید بودجه دولت، فرصت اشتغال و رشد اقتصاد مبدل ساخت؛
- 2- امیدوارم نشر این مطلب فضا سازی و بهانه در راستایی خصوصی سازی و حمله نوبتی به دارایی عامه نباشد. زیرا اقتصاد و جامعه از شوک عمل غیر ملی خصوصی سازی بی رویه گذشته که در نتیجه آن یک عده از افراد وابسته به دولت و غیر مسؤل و حرفی به سرمایه داران تبدیل شدن و با حمایت و شراکت مقامات دولتی فعالیت های تجارتي، صنعتی، مالی و بانکی را در اختیار گرفتند، فساد و عملکرد مافیایی را بر اقتصاد و نظام مالی و بانکی کشور مسلط نمودند و کمک های میلیارد دلاری را در بسیاری موارد بی اثر، هدر و حتی استفاده شخصی نمودند؛ و حال که آن کمک های سخاوتمندانه میلیارد دلاری خارجی قطع شده، مبادا این مافیا به مانند گرگان گرسنه به این طعمه چشم دوخته باشند؛
- 3- فعالیت تصدیها دولتی نباید به عنوان مداخله غیر ضروری دولت در اقتصاد تلقی گردد. نباید فراموش کرد که در داخل یک نظام اقتصاد بازار نیز دولت می تواند فعالیت اقتصادی داشته باشد و رقابت را ایجاد کند و در برخی موارد ناگزیر است حتی اگر فعالیت اقتصادی اش موثریت هم نداشته باشد. بسیاری از فعالیت های دولت در بخش اقتصاد از نظر اقتصادی موثر نیست. اما ماهیت استراتژیک برای کشور دارد. دولت باید سوبسیدی را به اجرا بگذارد. این گونه رفتار دولت از جانب بسیاری شهروندان یک کشور با وجود غیر موثر بودنش در برخی موارد پذیرفتنی است. زیرا اهمیت اش برای زندگی تا بهره وری اقتصادی اش ارجحیت دارد. بخاطریکه منافع آن در توسعه رفاه جامعه بیشتر است، در حالیکه در حقیقت امر شدیداً غرموثر است.
- 4- با توجه به اهمیت فعالیت این تصدیهای دولتی در حیات اقتصادی و اجتماعی شهروندان به ویژه اقشار فقیر و کم درآمد باید دولت از سیاست حمایتی موثر استفاده برد. زیرا در صورت ایجاد منافع عامه این عمل دولت مؤجه می باشد. کشور های مختلف در جهان در گذشته و در حال حاضر از سیاست حمایتی برای تقویت و استقلال و خود بسندگی اقتصادی استفاده برده و می برند. کشور امریکا و اتحادیه اروپا و بسیاری کشورهای دیگر مثال زنده هستند [میرکانتلیسم در بین سده شانزدهم و هژدهم پر طرفدارترین دکترین بود. مفسر برجسته ترین آن در آن زمان سیاستمدار فرانسوی ژان

بابتیست کلبرت بود. این سیستم سیاست های اقتصادی امریکا و جرمنی در قرن 19 را تشکیل می داد، و همچنین یک نقش در توسعه چایان و دیگر کشور های آسیایی غربی مانند تایوان، کوریایی جنوبی، سنگاپور، هانکونگ و چین در بخش دوم قرن بیست بازی کرد (1)]. مدل اقتصاد مختلط در نظام اقتصاد بازار در حال حاضر در کشور های پیشرفته صنعتی مصداق این ادعا می باشد. افغانستان راهی جز انتخاب و پیگیری مدل مختلط را ندارد که در آن هم سکتور خصوصی و هم دولتی در کنار هم حد اقل در مرحله گذار فعالیت داشته و موازی با پیشرفت اقتصاد بازار و ایجاد میکانسم عملکرد بازار (رقابت، عرضه و تقاضا و تشکیل قیمت) به صورت تدریجی سهم دولت به نفع سکتور خصوصی کاهش یافته و صرف با مداخله تعادل بخش که خواست طبیعی بازار آزاد است متمرکز گردد.

درپائین به دولت وحدت ملی پیشنهاد می شود تا در انجام هر گونه عمل و اتخاذ تدابیر و اجرای سیاست اصلاحاتی در بخش های اقتصادی و مالی نخست بررسی کارشناسانه را انجام دهد و در پهلوی کارشناسان سرکاری که اکثریت شان از متفکرین و مدیران رژیم فاسد کرسی در سیزده سال و عامل بدنامی نظام اقتصاد بازار در افغانستان هستند، نظر کارشناسان و آگاهان آزاد اقتصاد را نیز داشته باشد.

دکتر دستگیر رضایی

18 حوت 1393 مطابق 9 مارچ 2015.03.09

منابع:

- 1- "Economie in 30 seconden" Donald Marron, Lannoo Spectrum 2010, p 36.